

تقویت چرخه دولت « نفتی- رانتی»

تحلیل رییس اسبق سازمان برنامه و بودجه از نقاط تاریک لایحه بودجه 1402 و تاثیر آن بر زندگی ایرانیان:

محمد ستاری فر میگوید بودجه سال آینده به تعمیق بیشتر «ناترازی و نابرابریها، تورم، بیکاری و فقر» میانجامد

گروه اقتصادی

محمد ستاری فر، رییس اسبق سازمان برنامه و بودجه در تحلیلی مفصل از لایحه بودجه سال 1402، معتقد است که «ساختار این بودجه، به دور از جهتگیری و بایدها و نبایدها» تدوین شده است. از دیدگاه او، لایحه بودجهای که برای تصویب به مجلس فرستاده شده، در فضای ملتهب کنونی در داخل و تنش منطقه‌ای و جهانی ایران، به تعمیق بیشتر «ناترازی و نابرابریها، تورم، بیکاری و فقر» میانجامد و «حداکثر هنر» آن، «نگهداشت مختصات ایران 1402 به مانند ایران 1401» است. او در تحلیل خود میگوید «این بودجه توان ایجاد ظرفیت و امکان‌سنجی لازم را با مختصات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و زیست‌محیطی حاکم بر کشور برای توسعه‌یافتگی» ندارد و حتی از دیدگاه او می‌تواند به «توسعه‌نیافتگیها، چالشها و ناملايمات حاکم بر کشور عمق بیشتری ببخشد.» ستاری فر، در بخشی از تحلیل خود به بیان 11 نکته برجسته از لایحه‌ای می‌پردازد که هم‌اکنون در کمیسیون تلفیق مجلس در حال بررسی است و قرار است به زودی تصویب و اجرا شود. او همچنین در انتهای تحلیل خود به نتیجه‌گیری خاصی پرداخته که حاوی هشدارهایی درباره اقتصاد ایران در سال آینده است. مالیات‌ها و غیرتوسعه‌ای بودن تامین مالی

ستاري فر مي‌گويد: «با وجود افزايش ميزان ماليات‌ها از 562 هزار ميليارد تومان سال جاري به 826 هزار ميليارد تومان و رشدي به ميزان 47 درصد، آن‌هم در شرايط رکود تورمي حاکم بر کشور، اين ميزان ماليات فقط مي‌تواند 49 درصد مصارف بودجه را پاسخگو باشد و 36 درصد نيازهاي بودجه از محل فروش نفت و شرکتهای دولتي و حدود 15 درصد از طريق فروش اوراق قرضه (يعني استقراض) تامين ميشود. اين وضعيت بيان ناسالم، غيراقتصادي و غيرتوسعه‌اي بودن تامين مالي بودجه را نشان مي‌دهد.»

نبود انضباط مالي و وابستگي به نفت

ستاري فر با اشاره به بند 50 و 51 سياست کلي برنامه چشم‌انداز 20 ساله که 18 سال از عمر خود را سپري کرده، مي‌افزايد: در بند 50 اين سياست‌ها به «اهتمام به نظم و انضباط مالي و بودجه‌اي و تعادل بين منابع و مصارف» و در بند 51 به «تلاش براي قطع اتکاي هزينه‌هاي جاري به نفت و تامين آن از محل درآمد مالياتي و اختصاص عوايد نفت براي توسعه و سرمايه‌گذاري براساس کارايي و بازدهي» تاکيد شده است. اما ازديدگاه ريس اسبق سازمان برنامه و بودجه، «ارقام بودجه 1402 اين واقعيتها را در خود دارد که 36 درصد از هزينه‌هاي دولت از درآمد نفت و 16 درصد از استقراض خواهد بود و به جاي اينکه درآمدهای مالياتي بتواند 100 درصد هزينه‌هاي دولت را پوشش دهد، بعد از 18 سال فقط مي‌تواند کمتر از نيمي از مخارج دولت را تامين کند.» او مي‌افزايد: «هزينه‌هاي دولت 14543 هزار ميليارد تومان است؛ درحالي که درآمدهای دولت 9781 هزار ميليارد تومان و ناترازي بين درآمد و هزينه (کسري تراز عملياتي لايحه بودجه سال آینده) به 4761 هزار ميليارد تومان ميرسد. آن‌هم در شرايطي که در سال 1402 ماليات‌ها 47 درصد و رشد ماليات اشخاص حقوقي غيردولتي 3/2 برابر سال 1401 مدنظر قرار گرفته است.

صرف سرمايه‌هاي بين نسلي براي هزينه جاري

ستاري فر در بيان نکته سوم خود از لايحه بودجه سال آینده مي‌گويد: «برخلاف رويکردهای سند چشم‌انداز، واگذاري‌هاي سرمايه‌اي (فروش نفت، گاز،...) به ميزان 7118 هزار ميليارد تومان در لايحه بودجه درج شده است. اين عدد نسبت به عملکرد سال جاري و افق تقابلهای ايران با اروپا و امريکا و تحريم‌ها فروش اين ميزان، پر از ابهام است؛ مگر اينکه تقابلهای سياست خارجي ايران تبديل به تعامل موثر و در جهت منافع ملي و امنيت ملي باشد.» همچنين او به بودجه عمراني اشاره مي‌کند و مي‌افزايد: «در لايحه، تملک دارايي‌ها يا سرمايه‌گذاري‌هاي عمراني عددي است که کسري و ناترازي به ميزان 3838 هزار ميليارد تومان را در خود دارد. اين کسري بيانگر اين

است که بخش قابل ملاحظه‌ای از ثروت‌های بین نسلی و طبیعی که باید صرف سرمایه‌گذاری بین نسلی و مولد شود، برای تامین کردن هزینه‌های جاری برای سال 1402 به کار خواهد رفت.» دولت خود را مقروض‌تر می‌کند

استاد بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی معتقد است که «رشد نامناسب منابع و درآمدهای دولت به ویژه در حوزه مالیات و فروش نفت، آن‌هم در عصر تشدید تحریم‌ها و تقابل‌ها و نادیده گرفتن بسیاری از هزینه‌های قطعی که در موقع عملکرد حقایق و کاستی‌های خود را نشان می‌دهند». او می‌افزاید: «لایحه بودجه 1402 بسیار به دور از موازین و اصول حاکم بر مالیه عمومی و برنامه یکساله کشور است و ارقام مندرج در منابع و مصارف برخلاف اصول مالی، با عدم تحقق‌های بنیادین روبروست؛ به همین جهت دولت جهت تامین بخشی از کسری‌های خود در بودجه سالانه در سرفصل واگذاری‌های مالی (فروش اوراق قرضه، فروش اموال دولتی) عدد 2940 هزار میلیارد تومان را درج کرده است. ضمن اینکه بابت بازپرداخت بخشی از اوراق نیز 2017 هزار میلیارد تومان پرداخت را در هزینه‌های بودجه درج کرده که کسری 922 هزار میلیارد تومانی را برای بودجه سال آینده به همراه دارد.

ارقام به دور از واقعیت

به گفته ستاری‌فر «کالبدشکافی منابع و مصارف بودجه 1402، بیانگر این است که از منظر حسابداری، ارقام منابع بیش از واقعیت و ارقام هزینه کمتر از واقعیت‌های جامعه مدنظر قرار گرفته است. این ناترازی‌ها بدان میزان است که حتی در صورت رفع تحریم‌ها و برپایی تعامل سازنده و عادی کشور با کشورهای منطقه و جهان، نمی‌توان باز تعادل منابع و مصارف بودجه کشور را برقرار کرد.»

ابعاد وسیع کسری‌های بودجه

از دیدگاه ستاری‌فر، «با وجود اینکه بودجه هزینه‌ای و جاری دولت به میزان 14543 هزار میلیارد تومان، از رشدی برابر 73 درصد برخوردار شده است اما به دلیل بلا تکلیفی بدهی‌های عظیم دولت به بانک‌ها، عدم انجام تعهدات لازم به سازمان تامین اجتماعی، بدهی شرکت‌های دولتی به بانک مرکزی و بانک‌ها و تورم‌های فزاینده حاکم بر اقتصاد و جامعه، این افزایش در بودجه جاری نمی‌تواند تامین هزینه نگهداشت اداره مجموعه دولت را در سال 1402 همانند سال 1401 داشته باشد» او در این باره می‌افزاید: «چنانچه کشور بخواهد اعتراضات کارگران، کارکنان، فرهنگیان و بازنشستگان را در سال 1402 داشته باشد، این عدم تامین هزینه‌های جاری، می‌رود که به کسر بودجه اقتصادی (اگرچه از منظر حسابداری سعی بر مخفی کردن آن شده است) ابعاد وسیع‌تری

داشته باشد.»

بودجه عمرانی، تزیینی است

ستاری فر همچنین به مشکل بودجه‌های عمرانی اشاره می‌کند که در سال آینده نیز ادامه‌دار خواهد بود. او می‌نویسد: «بودجه طرح‌های عمرانی در جغرافیای چند برابر شدن مواد و مصالح و افزایش هزینه‌های کارگری به میزان 3279 هزار میلیارد تومان و با رشدی به میزان 17 درصد بیانگر این است که کار قابل ملاحظه‌ای در این حوزه صورت نگرفته و نباید بگیرد. به سخن دیگر، کشور باید از ظرفیت‌های زیرساختی کمتری برخوردار شود و این بودجه برای نگهداشت کارگاه‌ها می‌تواند کاربرت داشته باشد یا جابه‌جا کردن اعتبارات عمرانی برای هزینه‌های جاری در بودجه 1402، بناست این اعتبارات از جایگاه تزیینی برخوردار شود.»

رانت و فساد در واگذاری

نکته بعدی که رییس اسبق سازمان برنامه و بودجه مطرح می‌کند به موضوع واگذاری شرکت‌های دولتی برمی‌گردد. ستاری فر می‌گوید: «فروش و واگذاری اموال منقول و غیرمنقول دولت که در قانون بودجه 1401 به میزان 260 هزار میلیارد تومان، با عدم تحقق بسیار زیاد در 9 ماه گذشته روبرو بوده است، در سال 1402 این فروش به میزان 1070 میلیارد تومان (5/4 برابر بودجه سال 1401) مدنظر قرار گرفته است. این مبلغ هم یکی از ارقام پوششی برای تراز کردن بودجه از منظر حسابداری است و هم اینکه با مصوبه اخیر سران قوا در برپایی یک کمیته فراقانونی در واگذاری‌های ثروت مردم آن‌هم به صورت غیرشفاف، می‌رود که به مسائل رانت‌ها و فسادهای حاکم بر کشور ابعاد ویژه‌ای بخشیده و ناتوانی بیشتری را برای قدرت جامعه و سازندگی آن در بر داشته باشد.»

تورم و افزایش پایه پولی

از دیدگاه ستاری فر «عدم رعایت موازین مالی عمومی و برنامه یکساله و موازین مالی و پولی در تدوین بودجه 1402 و کارکردهای این بودجه در سال 1402، آثار سرریز گسترده‌ای در افزایش پایه پولی، نقدینگی با آثار نشر در افزایش سطح تورم‌های ناگوار فعلی را برای اقتصاد کشور و به ضعف کشاندن قدرت جامعه و بازار و بخش خصوصی به همراه خواهد داشت.»

بودجه‌هایی که بی‌جهت زیاد شده‌اند

ستاری فر در بخش دیگری از تحلیل خود می‌افزاید: «موازین مالی عمومی و برنامه یکساله برای بودجه 1402، این حکم و دستور را دارند که دولت باید در خدمات خود مرتبه‌بندی و اولویت‌بندی را براساس منافع ملی، رشد و توسعه و بسط عدالت اجتماعی و بسط

آزادی‌ها داشته باشد. به همین جهت تامین جامع و کافی و فراگیر کالاهای عمومی (هوا، آب، خاک، محیط زیست، بهداشت، دفاع و ...) ترجیح بر تامین کالاهای غیرحاکمیتی دارد. درحالی‌که در بودجه 1402 تامین نیاز و رفع مشکل از مطالبات جدی و اساسی جامعه همچون برخورد با آلودگی و بحران‌های زیست‌محیطی، بحران در معاش مردم، بحران در صندوق‌های بازنشستگی و... از توجه لازم و کافی برخوردار نشده است. درحالی‌که بودجه‌های غیراصلی و غیرحاکمیتی همچون حوزه‌های دینی از رشدهای بالایی برخوردار شده است؛ بودجه‌هایی که وابستگی تام و تمام این مراکز را که باید با آزادی عمل و خارج از قیودات دولت، پیریزی خلق ارزش‌های متعالی انسانی را داشته باشد، به بند دولت کشانیده و آنها را از اهداف خود دور ساخته و به یکی از موانع پیش روی توسعه یافتگی کشور کشانیده است. غفلتی که تاکنون هزینه‌های زیادی را متوجه ارزش‌های دینی، اخلاقی و انسانی جامعه کرده است. تامین بودجه این قلمروها در کنار بی‌توجهی به تامین کالاهای عمومی (هوا، آب، محیط زیست ...) نشان از این دارد که دولت به عنوان کارگزار ملت، ثروت و پول ملت را در رویکردهای تنظیمی، تخصیصی، تثبیتی و توزیعی با اولویت و کارآمدی و اثربخشی به کار نگرفته است.»

بودجه و افزایش فقر

ستاری‌فر در بیان نکته دیگری از لایحه بودجه سال آینده به موضوع افزایش فقر پس از اجرای این قانون می‌پردازد و می‌افزاید: «بودجه 1402 که باید حساسیت ویژه‌ای را در طراحی فرآیندهای تامین مایحتاج جامعه سرلوحه کار خود داشته باشد، متأسفانه خالی از رویکردهای ویژه و خاص برای این مهم است؛ گویا بناست که بسیاری از ناملایمات را در خود داشته باشد. تورم‌های هولناک در تامین مواد غذایی مردم به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، افزایش درصد مردم زیر خط فقر، افزایش جهشی سطح فقر مطلق، کاهش تعداد افراد جامعه متوسط که موتور رشد و تحرك اقتصادی و اجتماعی يك جامعه را بر دوش دارند (در دهه 90، تعداد افراد متوسط جامعه نصف شده و در سال 1401 این وضعیت از شتاب بیشتری برخوردار شده است)، در کنار افزایش شتابان طبقات کم‌درآمد، افراد دارای وضعیت برابر با خط فقر یا زیر خط فقر مطلق (گروه‌هایی که موتور اعتراض‌ها و شورش‌ها را حامل هستند)، بودجه 1402 وضعیت ناامیدکننده‌ای را جهت حل‌وفصل این معضل مهم و بنیادین به تصویر می‌کشاند، زیرا از يك طرف موتور حرکت، امید، اشتغال، افزایش تولید، درآمد و رفاه نهفته در طبقه متوسط شتابان رو به کاهندگی و کم‌رمقی می‌رود و برعکس موتور اعتراض و شورش طبقات فقیر، شتابان رو به افزایش و برخوردار از انرژی مهیب و لازم برای تخریب

بسیار عرصه‌ها و به لرزه درآوردن نظم اجتماعی ایرانیان است.»
هشدارها

ستاری‌فر در ادامه با بیان اینکه «در شرایط نامساعدی که ساختار و کارکردهای عرصه‌های دولت و جامعه با همدیگر در تعامل یا تقابل قرار دارند و در وضعیت تحریم‌ها، تنش‌های داخلی بین گروه‌های ذی‌نفوذ، تنش‌های ایران با کشورهای همجوار، منطقه و جهان که در ماه‌های رو به پایان سال 1401 هرکدام از اینها از وضعیت ناگوارتری نسبت به قبل برخوردار شده است» عنوان کرده که لازم است هشدار به همگان، هم‌آحاد جامعه و همه قلمروهای حاکمیت داشت تا برای کیان و عزت ایران عزیز و ایرانیان طرح و روشی دیگر باید داشت.

روند شتابان کاهش پسانداز در ایران

ستاری‌فر در تحلیل خود می‌نویسد: به خاطر فقر گسترده، تورم، رکود و... هر روز تولید ناخالص داخلی کشور از میدان‌های مولد، پویا و فزاینده تولید، ثروت، اشتغال، عدالت اجتماعی در حال تهی شدن بوده و هست. در این روزگار نسبت پسانداز به GDP ایرانیان از گذشته تاکنون در مقایسه با کشورهای هم‌چون مالزی (7/46 درصد) کره (4/31 درصد) عربستان (1/40 درصد) در سال 2000 میلادی کمتر بوده است (ایران: 18 درصد). این میزان ناکافی از پسانداز هر روز شتابان به طرف کاهندگی می‌رود زیرا به خاطر شرایط نامناسب کشور، باور عمومی گویا بر این است که اگر امروز مصرف کنیم، پسانداز کرده‌ایم و اگر پسانداز کنیم، بازنده بوده و آن را خرج کرده‌ایم (به خاطر تورم‌های روزانه). همین نسبت برای سرمایه‌گذاری به GDP است که در این چند سال سبب شده نسبت سرمایه‌گذاری خالص (ایجاد ظرفیت‌های نوین) منفی و از میزان استهلاک سرمایه‌های موجود نیز کمتر شده است. بنابراین حکایت از کوچک شدن اقتصاد ایران و فرودست شدن آن در منطقه و جهان دارد.

تشدید نابرابری‌ها در ایران

او اضافه می‌کند: «ضریب جینی که بیان توزیع درآمد بین گروه‌ها و مناطق کشور است، هر روز در کشور نامتعادل‌تر شده و نابرابری‌ها و تعارض‌ها را بین طبقه بالا، طبقه متوسط و طبقه فقیر تشدید کرده است. این ضریب هشداردهنده از حدود 441/0 به 5/0 و فراتر از آن شتابان دارد گام برمی‌دارد. حسب سند چشم‌انداز 20 ساله، بنا بوده این ضریب حدود 35/0 باشد درحالی که امروزه ایران به طرف تشدید نابرابری‌ها دارد گام برمی‌دارد.»

تضعیف قدرت جامعه

رییس اسبق سازمان برنامه و بودجه می‌نویسد: «رشد هزینه‌های جاری نسبت به بودجه عمومی، دایم در حال افزایش و رشد سرمایه‌گذاری‌های

ظرفیت‌سازی عمرانی کاهنده... فرآیندهای کارکرد هزینه جاری گسترش نفوذ دولت بر عرصه‌های اقتصاد و جامعه و به ضعف کشاندن قدرت جامعه به عنوان بن‌مایه اصلی توسعه و رشد ایران را در بر داشته و دارد.» او اضافه می‌کند: «براساس سند چشم‌انداز 20 ساله باید مخارج دولت به GDP کمتر از 25 درصد باشد درحالی که امروزه بدینگونه نیست.» فرودستی ایران در منطقه

ستاری فر اضافه می‌کند: «بنا بود حسب نظر برنامه چشم‌انداز، اقتصاد ایران در این سالها از منظر GDP حرف اول را در منطقه داشته باشد. در سال 1382، GDP ایران با حدود 520 میلیارد دلار فاصله کمی با اقتصادهای اول (ترکیه) و دوم (عربستان) منطقه داشت. در سال 1384 GDP دو کشور ایران و ترکیه از منظر شاخص برابری خرید با همدیگر برابر بودند. در سال 2019 ایران با GDP برابر با 445 میلیارد دلار (کشور 28 در دنیا)، ترکیه 754 (کشور 19 در دنیا) و عربستان 792 (کشور 18 در دنیا) بوده‌اند. از منظر شاخص برابری قیمت GDP ایران در سال 2019 برابر 1172 میلیارد دلار (22مین کشور در جهان) و ترکیه 2300 میلیارد دلار (13مین کشور) بوده‌اند. هر شهروند ترکیه در 15 سال اخیر 3/2 برابر ثروتمند شده است اما در ایران ثروت سرانه در بعضی از سالها ثابت و در بسیاری مواقع کاهنده بوده است. این یعنی فرودستی در منطقه. برای ایرانی که در این روزگار حسب سند چشم‌انداز باید حرف اول در GDP را می‌زد، صندوق بین‌المللی پول برای سال 2026 می‌گوید: مردم ایران در این سال از مردم ترکیه، آذربایجان، گرجستان و ارمنستان فقیرتر خواهند بود. از منظر قدرت خرید، سرانه مردم ایران در سال 2020 برابر با 13 هزار دلار و در سال 2026 برابر با 15 هزار دلار خواهد شد. درحالی که سرانه مردم ترکیه در سال 2020 برابر با 30 هزار دلار و برای 2026 برابر با 40 هزار دلار خواهد شد. کشور مصر با همه مشکلات و مسائلی که دارد به 300/17 دلار می‌رسد. اینها هیچ نشانی از خوبی‌ها را برای این کشور غنی از لحاظ منابع انسانی، سرمایه‌های مادی و فیزیکی و این کشور شاهراه ارتباطی، نه تنها دربر نداشته بلکه بیم‌ها و ناامیدی‌هایی را برای ایرانیان به همراه دارد.»

نتیجه‌گیری: بودجه و تقویت چرخه دولت نفتی- رانتي از دیدگاه ستاری فر، «اگرچه توسعه‌یافتگی و توسعه‌نیافتگی دارای يك علت نیست و عللی درهم‌پیچیده و درهم‌تنیده در يك فرآیند تاریخی دارد اما در ایران باید گفت ساختار و کارکرد «دولت نفتی- رانتي» و بودجه‌های نفتی آن، بن‌مایه اصلی عقب‌افتادگی‌ها است. «دولت نفتی- رانتي» با بودجه‌های نفتی در اختیار، دایم در حال سست کردن بنیان قدرتمندی و توانمندی آحاد مردم، جامعه، بخش خصوصی و بازار است.»

او اضافه می‌کند: «دولت نفتی- رانتي با وجود اینکه به ظاهر پیکره و ارقام کارکردهای دولت را بزرگ و عظیم نشان می‌دهد اما در واقع خود برای انجام وظایف کار خود (تولید کالای عمومی و ایجاد فضای کسبوکار پیش‌برنده) برای جامعه از قدرت ضعیف برخوردار شده و می‌شود زیرا خود این دولت، دچار غده سرطانی دولت پنهان است که از رانتهای بهره برده و می‌برد و اقتدار و کیان جامعه، بازار، بخش خصوصی و دولت رسمی را به ضعف می‌کشانند. از این رو امروزه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را چرخه ذیل راهبري و هدایتگری می‌کند: قدرت جامعه ضعیف- قدرت دولت رسمی ضعیف- قدرت دولت پنهان قوي»

او نتیجه می‌گیرد که «بودجه 1402 اگر در تقویت این چرخه شوم نباشد که هست، برنامه‌ای را نیز برای تضعیف این چرخه شوم در خود ندارد. اگر در چارچوب سند چشم‌انداز 20 ساله، نهاد دولت و حاکمیت گام برمی‌داشتند، امروزه کشور موتوري توانمند برای بالندگی‌ها و توسعه یافتگی می‌داشت یعنی چرخه قدرت جامعه قوي- قدرت دولت قوي».

قلمروهای نامتوازن اقتصادی و اجتماعی

با نگاهی به بودجه‌های امور اقتصادی، اجتماعی، نظامی، زیست‌محیطی و... این حقایق مشخص می‌شود که با وجود اینکه آلودگی هوا به عنوان بنیادین‌ترین نیاز انسان و جامعه انسانی در این سالها و به ویژه در این ماه‌ها و روزها، هزینه‌های آشکار و پنهان بسیار زیادی متوجه سلامت و زیست جامعه کرده است، آنهم هزینه‌هایی که غیرقابل محاسبه و غیرقابل اندازه‌گیری است، بخش امور محیط زیست کشور با منابعی که در سال 1402 خواهد داشت، هیچ چاره‌جویی اثربخش و کارآمدی برای امور محیط زیست و آب و هوای کشور نخواهد داشت و این اقدام، این حقیقت را نشان می‌دهد که بودجه 1402 در جهت مطالبات و نیازهای جامعه (صاحبان حق) به صورت کارآمد تدوین نشده و کارگزار مردم (دولت) نتوانسته است اولویتهای لازم و بنیادین را در تامین نیازها و مطالبات اختصاص دهد. درحالی‌که اعتبارات بودجه‌ای امور نظامی و امنیتی دایم از رشدهای غیرمتعارف نسبت به سایر امور برخوردار شده است، از این رویکرد در نظام توزیعی و تخصیصی دولت، می‌توان نتیجه گرفت که دولت در عرصه‌های اداره جامعه بیش از آنچه دنبال کسب رضایت جامعه باشد، دنبال کنترل جامعه و بازار است. لایحه بودجه 1402 در اینجا از يك غفلت بنیادین برخوردار شده است که رضایت‌مندی جامعه، آنهم با آثار بازنشر گسترده‌ای که در ارتقای امنیت، دفاع و نظم کشور دارد کمتر مورد توجه خود قرار داده است، درحالی‌که افزایش بودجه عرصه‌های امور نظامی و امنیتی در فضای فقر، بیکاری،

تورم، نارضایتی و ناامیدی جامعه، نمی‌تواند کارایی و اثربخشی داشته باشد. تراز و تعادل این امور است که به توانمندی کشور برای مقابله با حوادث منجر می‌شود.

م: ۱۴۰۱ ۲۳ ۱۴۰۱